

حوادث کوتاه

قتل عموی

به خاطر کتک زدن در کودکی

چون ۲۹ ساله به خاطر یک کینه قدیمی عمویش را در زمین کشاورزی به قتل رساند.

سرهنگ کرامت کریمی رئیس پلیس گراش گفت: در آخرین روز از اردیبهشت ماه سال جاری پس از گزارش به پلیس ۱۱۰ مبنی بر یک مورد درگیری مرگبار در زمین‌های کشاورزی در یکی از محلات گراش، بلافاصله تیمی از کارآگاهان به محل حادثه اعزام شدند.

وی ادامه داد: در تحقیقات اولیه پلیس مشخص شد، جوانی ۲۹ ساله به دلیل اختلافات شخصی با عموی ۵۰ ساله خود که در زمین‌های کشاورزی بوده، درگیر و با استفاده از ضربات چاقو وی را به قتل رسانده است.

فرمانده انتظامی گراش تصریح کرد: با سرعت عمل و تلاش مأموران انتظامی گراش، قاتل که از صحنه قتل متواری شده بود در کمتر از ۴۸ ساعت شناسایی شد و پس از احضار به قتل عموی خود اعتراف کرد.

سرهنگ کریمی با بیان اینکه قاتل در بازجویی اولیه اقرار کرد که به دلیل اینکه عمویم در کودکی من را مورد ضرب و شتم قرار داده بود از وی کینه چندین ساله داشتم و در روز حادثه با ضربات چاقو او را به قتل رساندم، گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

مرگ هولناک با بلعیدن

۵۱ بسته هروئین

مرد کرمانشاهی به خاطر بلعیدن هروئین در بیمارستان به کام مرگ فرو رفت.

سرهنگ علیرضا دلیری رئیس پلیس کرمانشاه گفت: پس از اعلام مرکز ۱۱۰ مبنی بر حضور فرد مشکوک در بیمارستان که احتمالاً مواد مخدر بلعیده است، مأموران کلاتری ۲۳ تعاون به این مرکز درمانی اعزام شدند.

وی افزود: در بررسی‌ها و پیگیری‌های انجام شده توسط مأموران مشخص شد شخصی که برابر اعلام بستگانش، حدود چند روزی از ناحیه معده و روده دچار ناراحتی و درد شده، جهت مداوا به بیمارستان منتقل گردیده است.

سرهنگ دلیری تصریح کرد: پس از اقدامات پزشکی و جراحی ۵۱ بسته هروئین به وزن ۵۷۰ گرم از معده این مرد خارج شد.

رئیس پلیس کرمانشاه با بیان اینکه فردی که بسته‌های هروئین را بلعیده بود جان خود را از دست داد، یادآور شد: در این راستا پرونده‌ای تشکیل شد و موضوع در دست بررسی قرار دارد.

۴ ساعت عملیات نفسگیر

برای دستگیری مجرم همه

فن حریف

فرد شروری که سوابق متعددی از جرایم خشن، خرید و فروش اسلحه و مهمات، مواد مخدر، قتل عمد، درگیری و ایجاد رعب و وحشت در منظر عمومی و... در پرونده خود داشت، در عملیات ۴ ساعته پلیس زاهدان دستگیر شد.

سردار «دوستعلی جلیلیان» فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: همزمان با اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و دریافت گزارش‌های مردمی مبنی بر حضور و سلب آسایش عمومی فردی شرور در یکی از مناطق مسکونی شهرستان زاهدان، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت.

وی خاطرنشان کرد: مأموران با انجام کار اطلاعاتی و اقدامات محسوس و نامحسوس مخفیگاه متهم را شناسایی و در یک عملیات ۴ ساعته شرور ۳۵ ساله را دستگیر کردند.

نجات اعضای

یک خانواده با فداکاری پلیس

در شعله‌های آتش

مأموران پلیس خوی اعضای یک خانواده گرفتار در شعله‌های آتش را از مرگ سوزناک نجات دادند.

سرهنگ سعید جلیلی موسوی فرمانده انتظامی خوی روز پنجشنبه در مراسم تقدیر از این مأموران وظیفه‌شناس گفت: مأموران انتظامی خوی حین گشتزنی در یکی از محلات این شهر، متوجه آتش‌سوزی یک خانه شده و سریعاً وارد عمل شدند.

وی با اشاره به اینکه به محض حضور عوامل گشت در محل، با اقدام سریع و بوموق همکارانم ۳ نفر از اعضای خانواده که در بین شعله‌های آتش محاصره شده بودند به آرامش عودت شدند، افزود: در اقدامی جهادی، انساندوستانه و در کوتاهترین زمان ممکن؛ مأموران وارد عمل شده و ضمن بیرون آوردن آنها، نسبت به مهار آتش اقدام کردند.

وقتی نجات یافتم کنسروهایم را هنوز نخورده بودم

جدال با مرگ و گرسنگی

در حفرة یخچال دماوند



ساده نداشت. وی افزود: بعد از نزدیک شدن این افراد، من متوجه شدم که ۵ نفر در حال نزدیک شدن به من هستند و یکی از آنها مرحوم آقای درخشان یکی از کوهنوردان بسیار توانمند و حرفه‌ای کشورمان بودند که بعدها در صعود به یکی از کوه‌های کشورمان جانشان را از دست دادند. او به من گفت، من به خانواده توقول دادم که یا تو را نجات می‌دهم و یا جسد بی‌جان تو را به پایین انتقال می‌دهم. نکته‌ای که برای من بسیار عبرت‌آموز بود این مسأله بود که آقای درخشان و چند نفر از دوستان من به فدراسیون کوهنوردی مراجعه کرده بودند تا امکاناتی را برای صعود به این منطقه و نجات من دریافت کنند و آنها در پاسخ گفته بودند که چون این فرد عضو فدراسیون نیست، نمی‌توانیم امکانات را در اختیار شما قرار دهیم.

دوستان من با لوازمی که از جاهای دیگر به دست آورده بودند توانستند اقدام به نجات من کنند و بعد از اینکه مرا به پایین منتقل کردند یک شب نیز در آنجا ماندیم، اما من یک کنسرو آناناس و یک کمیوت لوبیا در کوله خود داشتم که در طول این مدت از آنها استفاده نکرده بودم و هر وقت به یاد آنها می‌افتم امیدوار می‌شدم که غذایی برای خوردن دارم و در حقیقت گرسنگی نتوانست بر من پیروز شود، زیرا من امیدوار بودم به دو غذای کنسرو، یک داشتم و این باعث شد تا من ۷ شبانه‌روز گرسنه بمانم به امید اینکه غذایی برای خوردن دارم.

متأسفانه این امید من در روز هفدهم هم بی‌نتیجه ماند. بعدها فهمیدم که خانواده من در قلعه مرغی تهران ۲ ساعت و نیم پرواز اجاره کرده بودند تا ما را پیدا کنند، اما تصمیم گرفتند تا یک نفر دیگر از اعضا که دچار آسیب نشده بود در کنار من بماند و بقیه برای اطلاع سریع به امادرسنان به سمت پایین حرکت کنند.

او اضافه کرد: دوستان در کنار دره یخچال یک جای ایمن برای من درست کردند و یک نفر از دوستان کنار من ماندند و تصور ما این بود که تا چند ساعت آینده گروه امداد نسبت به نجات ما اقدام خواهند کرد. بعد از اینکه فرد همراه من هم تجهیزهای در ماندن در ارتفاع نداشت من توانستم او را قانع کنم که تو هم بعد از طلوع آفتاب به سمت پایین حرکت کن، چون ماندن او می‌توانست بیدار نشود، وجود دارد. روز هفدهم نیز از صبح اول وقت چشمانم به ته دره بود و در طول روز فقط به این مسأله فکر می‌کردم که چرا کسی برای نجات من اقدام نکرده است، حتی سرمای هوا با ۱۷ درجه در روز و منفی ۱۵ تا ۱۷ درجه در شب برای من قابل تحمل نبود به همین دلیل هر لحظه با خدا صحبت می‌کردم و می‌گفتم که خدایا اجازه بده من نجات پیدا کنم تا ببینم بعد از این اتفاق چه اتفاقاتی برای من می‌افتد.

مظلومی افزود: روز هفدهم نیز خیلی برای من سخت تمام شد و من تمام لحظات به این فکر می‌کردم که چرا کسی بعد از گذشت دو روز از حادثه سراغ من نیامده است و من از صبح تا شب به این مسأله فکر می‌کردم که پایان این حادثه به چه شکلی رقم خواهد خورد. این مسأله فکر می‌کردم که پایان این حادثه به چه شکلی رقم خواهد خورد. این مسأله فکر می‌کردم که پایان این حادثه به چه شکلی رقم خواهد خورد.

وی افزود: من در حین پرواز هلی کوپتر خیلی امیدوار شده بودم و تصور می‌کردم که الان نجات پیدا می‌کنم، اما حمل من نکرده‌اند و بعدها متوجه

در آسمان دیدیم، صعود به قله به خوبی پیش رفت و ما بعد از ۶ ساعت به قله رسیدیم، اما در حین رسیدن به قله کمی هوا ابری شد و به علت بارش برف ما سعی کردیم سریع برگردیم تا در زمان برگشت به مشکل برخوردیم.

این کوهنورد حرفه‌ای کشورمان تصریح کرد: موقع برگشت به دلیل نبود دید کافی من مسیر را اشتباه انتخاب کردم و متأسفانه از مسیری که باید برمی‌گشتم، دور شدم، من در ابتدا تصور کردم که در مسیر شمال شرقی قرار گرفته‌ام و این مسیر مسیر جنوبی نیست.

او اشاره به اینکه زمان زیادی از پایین آمدن نیز گذشته بود، تأکید کرد: من این مسأله را با بقیه اعضای گروه نیز مطرح کردم و هنوزها گفتند که ما به تو اعتماد داریم و هر کاری را که از نظر شما ایمن‌تر است انجام دهید. بعد از اینکه دو ساعت دیگر نیز در این مسیر ادامه دادیم من دوباره متوجه شدم که ما حتی در ضلع شمال شرقی هم قرار نداریم و وارد بیراهه شده‌ایم.

وی در تشریح حادثه‌ای که در حین یافتن مسیر مناسب دچار آن شدیم، یادآور شد: در همین حین زیر پای من و یکی از همراهان خالی شد و ما از ارتفاع بلندی سقوط کردیم و بعدها متوجه شدیم از یکی از دهلیزهای شمالی قله که در قسمت دره یخچال قرار دارد به پایین سقوط کرده‌ایم، متأسفانه در همان لحظه لگن پای راست من دچار شکستگی شد.

مظلومی ادامه داد: بعد از اینکه ما دو نفر از آن ارتفاع سقوط کردیم بعد از دقایقی داد و فریاد بقیه گروه ما را پیدا کردند و دو یا سه ساعت طول کشید تا هنوزها توانستند راهی را پیدا کنند که بدون اینکه از ارتفاع سقوط کنند، به ما برسند و بعد از اینکه به ما رسیدند چند ساعت همفکری کردیم که آیا این امکان وجود دارد که من را هم با خودشان

سحرگاه پنجشنبه حکم اجرا شد

بازگشت آرامش به مراغه



حکم اعدام مرد شیطان صفت که دختران و زنان مراغه‌ای را هدف نیت شوم خود قرار می‌داد در ملأعام به اجرا درآمد.

به گزارش «ایران»، سال ۱۳۹۵ بود که پرونده سرپالی آزارهای شیطانی جوان فریبکار با تعدادی از دختران و زنان مراغه و شهرهای اطراف پیش روی پلیس شهرستان زاهدان، بررسی موضوع، تیمی از مأموران برای دستگیری عامل این اقدامات شیطانی وارد عمل شدند.

مأموران در تحقیقات ابتدایی بی‌برند که مرد جوانی با نام امیرمهدی با فریب دادن دختران به بهانه داشتن شغل مناسب و موقعیت مالی و کاری و نشان دادن فیش حقوقی جعلی و کارت بازرگانی جعلی به بهانه ازدواج و اعتماد سازی به دختران نزدیک شده و پس از گرفتن فیلم و عکس از زنان آنها را تهدید و اقدام به روابط سایه با طعمه‌هایش کرده است.

پس از ترتیب تجسس‌های پلیسی کلید زده شد و مأموران خیلی زود موفق شدند مرد شیطان صفت را دستگیر کنند و در بررسی‌ها مشخص شد این مرد به نام سلیمان است و با مشخصات و مدارک جعلی خودش را به طعمه‌هایش نزدیک کرده است.

این حکم پس از بررسی‌های بیشتر در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت و صبح روز پنجشنبه ۴ خرداد ماه حکم اعدام در ملأعام این مرد در یکی از میدان‌های اصلی مراغه به اجرا درآمد.

جزئیات مرگ دلخراش پاراگلایدر سوار همدانی تشریح شد

آخرین پرواز



بالایی در این زمینه داشت.

علت سقوط وی گفت: به گفته هم پروازبان او که در محل حادثه حضور داشتند، میلاد فراوانی هنگام کاهش ارتفاع سریع در یکی از مانورهای آموزش دیده، دچار حادثه و به اصطلاح بی‌هوشی و عدم هوشیاری کامل شده و متأسفانه این اتفاق منجر به سقوط این ورزشکار باحلاق و توانمند شد.

کلاهبرداری طلایی به بهانه وام

این طریق از آنها کلاهبرداری کرده است. این مقام انتظامی اظهار داشت: در حالی که پرونده روند قانونی خود را طی می‌کرد، کارآگاهان متوجه شدند متهم توسط پلیس امنیت عمومی به علت حمل و قدرت‌نمایی با سلاح غیرمجاز دستگیر و روانه زندان شده است که سریعاً با هماهنگی قضایی متهم از زندان تحویل گرفته و به اداره عملیات ویژه انتقال داده شد. وی تصریح کرد: در بررسی از سوابق متهم مشخص شد وی دارای چندین فقره سابقه کیفری از جمله محکومیت مالی و قدرت‌نمایی با سلاح می‌باشد. سرهنگ حبیبی گفت: در بازجویی‌های فنی و تخصصی کارآگاهان اداره عملیات ویژه مشخص شد متهم با همدستی چند نفر از دوستان خود با تأسیس مؤسسه‌ای با عنوان (اقساط وام سیدی) و دریافت طلایات شهروندان از تعداد زیادی از آنها کلاهبرداری کرده است. سرهنگ حبیبی افزود: کارآگاهان با اقدامات فنی، اطلاعاتی و بکارگیری روش‌های نوین علمی موفق شدند ۵ نفر از همدستان متهم را شناسایی و طی چند عملیات منسجم و ضربتی آنها را دستگیر و مقدار ۴ کیلوگرم طلایات به ارزش ۱۳۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال نیز از آنها کشف کنند.

محمود نعمتی دادستان مراغه در خصوص اتهامات مرد اعدامی گفت: از جمله اتهام متهم، اغفال زنان و دختران متعدد از طریق فریب آنها به داشتن موقعیت شغلی مناسب، تهیه فیلم و عکس از زنان و دختران فریب‌خورده و انجام روابط جنسی به بهانه ازدواج می‌باشد.

وی اضافه کرد: پس از دستگیری، پرونده وی پس از ارجاع به دادسرای عمومی و صدور حکم اعدام در دادگاه انقلاب اسلامی و تأیید آن در دیوان عالی کشور و اجازه از مراجع ذیصلاح، حکم اعدام متهم صبح پنجشنبه در ملأعام و در یکی از میدان‌های اصلی این شهرستان به اجرا درآمد.

دادستان مراغه در ادامه اظهار کرد: قوه قضائیه و نیروی انتظامی و دستگاه‌های امنیتی در برخورد با چنین اشخاصی که امنیت جانی و ناموس شهروندان را مورد تجاوز و تخطی قرار دهند، هیچگونه ممانعتی نخواهند کرد و برخورد شدید با آنها را در دستور کار قرار داده‌اند.

شدم که روستاییان به دلیل وحشی بودن منطقه نه خودشان به آن منطقه می‌روند و نه اجازه رفتن الاغ و قاطرهای خود را به آنجا می‌دهند.

وی با اشاره به اینکه از روز پانزدهم هوای کوه کاملاً صاف بود، بیان کرد: من هم در شب اول من به هیچ عنوان خوابیدم و می‌دانستم اگر در ارتفاع کسی مصدومیتی داشته باشد و بخوابد احتمال اینکه سکنه کند و یا از خواب بیدار نشود، وجود دارد. روز هفدهم نیز از صبح اول وقت چشمانم به ته دره بود و در طول روز فقط به این مسأله فکر می‌کردم که چرا کسی برای نجات من اقدام نکرده است، حتی سرمای هوا با ۱۷ درجه در روز و منفی ۱۵ تا ۱۷ درجه در شب برای من قابل تحمل نبود به همین دلیل هر لحظه با خدا صحبت می‌کردم و می‌گفتم که خدایا اجازه بده من نجات پیدا کنم تا ببینم بعد از این اتفاق چه اتفاقاتی برای من می‌افتد.

مظلومی گفت: خیلی علاقه داشتم ببینم چه کسی تلاش می‌کند تا مرا نجات دهد و دوست داشتم اینها را ببینم، در همین حین بود که صدای یک هلی کوپتر را شنیدم که در ارتفاع حدود ۳ هزار متری در حال پرواز بود و چند بار در منطقه دور زود و بعد از حدود نیم ساعت منظره را ترک کرد.

وی افزود: من در حین پرواز هلی کوپتر خیلی امیدوار شده بودم و تصور می‌کردم که الان نجات پیدا می‌کنم، اما